

بررسی نقش و جایگاه زن در ادبیات عامیانه کردی

طاهره سیدرضایی (نویسنده مسئول)

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور تهران

sepidehrezayi@yahoo.com

آریا نگین تاجی

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور تهران

Arya.negintaji@pnu.ac.ir

طاهره حسنی

مربی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور تهران

Hassani_tahereh@yahoo.com

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی نقش و جایگاه زن در ادبیات عامیانه کردی می‌پردازد. ادبیات فولکلور نقش ارزشمندی در زنده نگه‌داشتن ارزش‌های فرهنگی دارد. جایگاه و چگونگی نقش زنان کرد در ادبیات عامیانه مسأله‌ی اصلی این پژوهش است که سعی می‌شود با رویکردی تاریخی و با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی سیمای زن در ادبیات عامیانه کردی پرداخته شود. و دیدگاه‌های مشترک نویسندگان به زبان کردی در مورد زن، بیان شود و ریشه‌ها و عوامل پیدایش چنین دیدگاه‌هایی واکاوی شود. براساس یافته‌های این پژوهش، زن در فولکلور کردی، دارای دو بعد مثبت و منفی است و صفات نیک و بد است که هر کدام متأثر از نوع حکومت، شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. با این تفاسیر نقش سازنده‌ی زن در جامعه، در ادبیات فولکلور کردی به زیبایی انعکاس یافته است.

کلید واژه: ادبیات عامیانه، فرهنگ کردی، زن.

۱. مقدمه

«در هر زبانی مجموعه‌ای از باورها و نگرش‌های قالبی و کلیشه‌های زبانی وجود دارد که شدت و ضعف آنها از نظر جغرافیایی، تاریخی و اجتماعی متفاوت است.» (ژان کالوه، ۱۳۷۹: ۸۱)

از این رو زبان می‌تواند آشکارکننده باورهای ذهنی و نهادینه شده انسان‌ها باشد از جمله این باورها، باورهای جنسیتی است که یکی از جنبه‌های اولیه هویت هر فرد است که آن را از طریق زبان و ارتباط با دیگران می‌آموزیم. (محمودی بختیاری، ۱۳۹۰)

«بنابراین یکی از درجه‌های مهم و مناسبی که میتوان با استفاده از آن به رژیم خاص حقایق هر بستر اجتماعی خاص پی برد، فولکلور و فرهنگ شفاهی است.» (حیدری، ۱۳۹۲: ۲)

ادبیات فولکلور میراثی از آداب و رسوم باورها و عملکرد هر نسل هستند که به نسل‌های بعد منتقل می‌شوند (کرسچین، ۲۰۱۲: ۱۳) «فولکلور ادبیاتی برای بیان نگرش‌ها و باورهای مردم هر جامعه و ابزاری قدرتمند برای شکل دادن به آگاهی‌ها نگرش‌ها و اعتقادات اخلاقی هستند.» (موحد و نیگران، ۱۳۹۱: ۱۰۲)

آنها همچنین داده‌های غنی برای بررسی باورهای فرهنگی و ارزش‌های اجتماعی هر جامعه هستند که معمولاً بیشتر جنبه‌های زندگی زنان از جمله انتظارات فرهنگی از آنان درباره رفتارهای شان تأکید بر جنسیت و سلسله مراتب کنترل را به تصویر می‌کشند. از این رو مطالعه‌ی ادبیات فولکلور هر ملت و قومی به خوبی می‌تواند خلیات، عادات خوب و بد، فکر و اندیشه، حساسیت‌ها و یا علایق مردمان همچنین سوگیری‌ها، تعصبات و نگرش‌های جنسیتی عمیق آن ملت یا قوم را که ریشه در ناخودآگاه جمعی عمیق هر ملت یا قوم دارد بازنمایی کند تا جایی که می‌توان گفت ادبیات فولکلور زمینه مناسبی برای تعمق بر محتوای شان جهت چرایی و چیستی برخی

معانی و تفاسیر هستند که به انسان‌ها و از جمله زنان نسبت داده شده است. فولکلور، آینه‌ی تمام‌نمای فرهنگ و اندیشه هر ملت و تمدنی هستند که در طول تاریخ، از نسلی به نسلی دیگر نقل شده‌اند. زن، به‌عنوان یکی از دو رکن اصلی جامعه، بازتاب گسترده‌ای در ادبیات هر ملت داشته است. تصویر زن در ادبیات - مخصوصاً ادبیات کردی - دارای دو بعد منفی و مثبت است. در ادبیات جهان، به عبارتی برمی‌خوریم که دیدگاهی منفی و خصمانه نسبت به زن را انعکاس می‌دهند. از جمله در برخی ضرب‌المثل: کسی که به زن اطمینان می‌کند، گویی بر روی یخ می‌نویسد، زن مویش دراز و عقلمش کوتاه است، نصیحت زن، جز به خودش سود نمی‌رساند. (الکندری و ملک: ۱۷۸) با وجود این، در ادبیات بسیاری از ملت‌ها هست که به ستایش جایگاه والای زن پرداخته و صفات نیک او را ستوده‌اند. پس جایگاه زن در طول تاریخ و در دوره‌های مختلف، دارای فراز و نشیب فراوانی بوده‌است که در ادبیات ملت‌ها، بازتاب یافته‌است. ادبیات شفاهی آینه جامعه است که با کمک آن می‌توان جامعه را بیشتر شناخت. رنگارنگی و غنی بودن ادبیات شفاهی کردی از قدیم‌الایام مورد توجه اندیشمندان شرقی، کرد شناسان، ادبیات شناسان و افراد زیادی قرار گرفته است. وقتی محتوای ادبیات شفاهی کردی را بررسی می‌کنیم، درمی‌یابیم که عناوین و انگیزه‌های متفاوت با همدیگر در میان این آثار جای گرفته‌اند. غنی بودن این انگیزه‌ها به ما نشان می‌دهد که جامعه از هر منظری به عناوین فولکلوریک تبدیل شده است. در زبان کردی نمی‌توان محتوای فولکلوریک و جامعه را از هم جدا کرد.

یکی از مهم‌ترین مباحث ادبیات شفاهی کردی موضوع زن می‌باشد که بخش قابل توجهی را به خود اختصاص داده است. این سؤال پیش می‌آید که «در صد سال گذشته جامعه ی کردی نسبت به زنان چه نگرشی داشته است؟». با کمک ماده‌های موجود در ادبیات شفاهی کردی جواب این سؤال را می‌توان بیان کرد. طبیعتاً موضوع‌های مربوط به زن در ادبیات فولکلوریک کردی بسیار گسترده‌تر از آن است که در این مقاله بتوان به همه آن‌ها پرداخت. رستگاری زنان، یکی از پررنگ‌ترین انگیزه‌های استفاده‌شده در داستان‌های کردی است. این داستان‌های کردی از سالیان دور تا به امروز ما را درباره و وضعیت زنان، جایگاه آنان، مسئولیت و وظایف زنان آگاه می‌کنند. وقتی محتوای این داستان‌ها را بطور عمیق و با جزئیاتش بررسی می‌کنیم، می‌بینیم که جامعه کردی همیشه ارزش و اهمیت بزرگی برای زنان قائل شده است. جامعه تمام زنان را در یک کفه قرار نداده است، بلکه زنان خوب و بد را بر مبنای عادات آن سال‌ها از هم جدا کرده و با نگرش و دید علمی به این دو گروه زن نگاه کرده است. در این مورد می‌توان گفت هر داستان کردی حق و عدالت را گسترش می‌دهد و زنان خوب را روسفید و زنان بد را رو سیاه کرده است. جامعه معیارهای تعیین خوبی و بدی را بر مبنای نفع جامعه، خانواده، کودکان و رستگاری زنان قرار داده است؛ همان‌طور که می‌بینیم در پایان داستان زنان خوب صاحب خیر و منفعت و نیکی می‌شوند و از دست زورگویان خلاصی می‌یابند، آزاد می‌شوند، پرواز می‌کنند و خوش‌بخت می‌شوند. زنان بد هم بدبخت می‌شوند و به قتل می‌رسند.

در این مقاله هدف به تصویر کشاندن چهره‌ی زن در بین یکی از اقوام کهن ایرانی قوم کرد با تمرکز بر ادبیات شفاهی و کتبی مخصوصاً ادبیات فولکلور رایج آنان است زیرا تحلیل و واکاوی این نوع از ادبیات رایج در بین این قوم می‌تواند سهم مهمی در شناخت و به تصویر کشیدن چهره ی واقعی رایج این جنس از افراد جامعه را داشته باشد.

۲. پیشینه تحقیق

رسول رش احمدی ضرب المثل‌های تعلیمی و تربیتی کردی را در سال ۱۳۸۶ جمع‌آوری کرده است.

احمد محمدپور و جلیل کریمی و نشمیل معروف پور مطالعه تفسیری بازنمایی زن در ضرب‌المثل‌های کردی در سال ۱۳۹۱ (مورد مطالعه: گویش سورانی-مکریانی) پرداخته‌اند.

تاکنون در مورد بررسی زن در ادبیات کردی، پژوهش مستقلی صورت نگرفته‌است.

از آن جا که زن به عنوان عنصر فعال جامعه در هر فرهنگ و ادبیاتی جایگاه خاص خود را دارد و دیدگاه‌ها از فرهنگی به فرهنگ دیگر در مورد او متفاوت است؛ ما را بر آن داشت که نگرش و دیدگاهی که در ادبیات کردی در

مورد زن به کار برده شده را واکاوی کنیم. دیدگاه‌ها در مورد زن همواره در ادبیات بومی و فولکلور و ضرب المثل‌های هر قوم و جامعه‌ای مخصوصاً در زبان کردی بازتاب یافته است. این دیدگاه‌ها، گاهی، مثبت و گاهی، منفی هستند که ریشه در مسائل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و تاریخی دارد و مطالعه این دیدگاه‌ها در هر نوعی از ادبیات، ما را در شناخت زوایای پوشیده و پنهان فرهنگ ادبیات کردی در مورد زن یاری می‌رساند.

۳. زن در فرهنگ ایرانی

دیدگاه‌های مثبت و منفی فراوانی در مورد جایگاه زن در فرهنگ ایرانی ذکر شده که ما در اینجا هر دو دیدگاه را بیان می‌کنیم تا دیدگاهی میانه و به دور از تعصب ارائه شود. در برخی منابع آمده که زن ایرانی، در انتخاب همسرش آزاد بوده همچنین، پدر برای ازدواج دخترش با او مشورت می‌کرد و گفته شده که موافقت دختر، در ازدواجش واجب بوده، در صورتی که عاقل و بالغ بود (ابو حدید، ۱۹۷۹) ولی در برخی منابع آمده که دختران در انتخاب همسرانشان، نقشی نداشتند و رسم بر این بود که فقط والدین، در امر ازدواج دخترشان اظهار نظر کنند. (فتاحی زاده، ۱۳۹۰) در عصر اسلامی نیز زنان مسلمان همچون زنان جاهلی، در بیشتر امور شرکت داشتند و در کنار مردان به مقابله به کفار می‌پرداختند و در آوردن آب و انتقال و درمان زخمی‌ها به مردان کمک می‌کردند. (سويد ۱۹۹۰: ۳۳-۲۸)

البته از اندیشمندان پیشین نیز کسانی هستند که به رفتارهای نامناسب نسبت به زن اشاره کرده‌اند. جاحظ می‌گوید: «من و هیچ خردمندی نمی‌گوید که زنان، یک درجه یا دو درجه یا بیشتر، نسبت به مردان، برتر یا پایین‌تر هستند.» (بی تا: ۹۹)

نظرات متفاوتی در مورد جایگاه زن در فرهنگ ایرانی وجود دارد که نظرات دو گروه زن‌ستا و زن‌ستیز را نقل خواهیم کرد. «در طول تاریخ ایران، زنان به لحاظ منزلت فردی و اجتماعی، اوج و افول‌های متعددی داشتند اما همواره، حضور زنان در جامعه، تحسین برانگیز و همراه وقار بوده است.» (بیانی، ۱۳۸۸: ۹) «آثار بازمانده از دوران نوسنگی، نشان می‌دهد که ساکنین نجد ایران، احترام ویژه‌ای برای زن قائل بوده‌اند؛ به گونه‌ای که می‌توان آن دوره را عصر مادر سالاری یا مادر شاهی نامید که زنان، مدیریت قبیله را برعهده داشتند.» (گیر شمن، ۱۳۸۴: ۱۱) در زمان زرتشت، زنان منزلتی عالی داشتند و با کمال آزادی و با روی گشاده، در میان مردم رفت‌وآمد می‌کردند ولی پس از داریوش، مقام زن مخصوصاً در میان طبقه ثروتمندان، تنزل پیدا کرد. (راوندی، ۱۳۸۴: ۵۱۶۱) در متون پهلوی نیز دربارهٔ تحصیل زنان توصیه بسیار شده است. (قلی زاده ۱۳۸۸: ۲۴۸) ولی در زمان ساسانی، مقام زن تنزل می‌یابد. استرابون می‌گوید: «زنان پارتی از مردان در حجاب بودند و در زندگانی خارج از منزل مردان دخالت نمی‌کردند. به‌طور کلی، مقام زنان نزد پارتی‌ها، پست‌تر از مقام آنان نزد مادی‌ها و پارس‌ها بوده است.» (شکور، ۱۳۷۸: ۴۸)

«با وجود این، در تاریخ ایران، زنان بسیاری بوده‌اند که نفوذ و تأثیر زیادی در سیاست، اجتماع، فرهنگ و اقتصاد داشته‌اند؛ از جمله، استر، زن خشایار شاه، که ملکه‌ی ایران شد و به اندازه‌ای عزیز و محبوب شد که هر چه می‌خواست، خشایار شاه فوراً انجام می‌داد.» (بهریزی، ۱۳۸۵: ۱۷۱)

«در ایران بعد از اسلام (طاهریان تا مغول)، زنان در خانه به کارهایی همچون ریسندگی اشتغال داشتند.» (بی‌هقی، ۱۳۱۷: ۴۹)

«به رغم حملات کثیری که به ایران می‌شد و در پی آن، داشته‌های فرهنگی این سرزمین در معرض شدیدترین آسیب‌ها قرار می‌گرفت، اصل تکریم زن را همچنان باقی می‌گذاشتند. تکریم زن در جامعه ایران در عصر مغول، وجود داشت که ناشی از بقای سنت مادرشاهی و عدم وجود برده‌داری در میان مغولان بود.» (ستاری، ۱۳۷۳: ۲۵۷) در مناطقی کردنشین نیز زنان مشهوری وجود دارند که از مقام والایی برخوردار بوده‌اند؛ از جمله، «بانو مستوره اردلان» (۱۲۶۴-۱۲۲۰ ق) «از زنان ادیب قرن سیزده هجری که در سنج به دنیا آمد و صبغه‌ای از عرفان، در بیشتر اشعار وی به چشم می‌خورد.» (روحانی ۱۳۶۴: ۳۶۸-۳۶۷) در این جمع‌بندی می‌توان گفت که زن در طول تاریخ فرهنگ ایرانی و عربی، بسته به دور زمانی، نوع حکومت، فرهنگ جامعه، شرایط سیاسی و اقتصادی و عقاید دینی، دچار فراز و نشیب فراوانی

شده‌است و دیدگاه‌های متفاوتی، پیرامون او شکل گرفته و جنبش‌های زن‌ستا و زن‌ستیز بسیاری به وجود آمده‌اند. این دیدگاه‌ها، در ادبیات شفاهی و مکتوب ملت‌ها انعکاس وسیعی داشته‌است که ادبیات فولکلور و ضرب‌المثل‌های کردی نیز از این قائله مستثنی نیستند و در آنها تمام ابعاد زندگی روحی و روانی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی زن به دو شکل مثبت و منفی به تصویر کشیده شده‌است.

۳-۱ دیدگاه مثبت به زن

در ادبیات کردی زنان همواره پایگاه بلند و ارزشمندی دارند و مردان برای این‌که خود را به دل‌داده‌شان برسانند، دست به سفرهای دور و دراز می‌زنند. این موضوع در پایان هر داستان موجب رستگاری زنی دل‌گرفته و پریشان‌کس در حق او ظلم بزرگی شده است، می‌شود. در داستان کردی از آن دخترهای زیبا و قشنگ با بیانات خیلی خوبی ستایش می‌شود «حوری چه مال» آن دختران خیلی جوان و قشنگ هستند همچون فرشته‌ها، وقتی چشم انسان به آن‌ها بیفتد، هفت روز آب و غذا به یادش نمی‌آید. بر اساس داستان‌های کردی، مردان عاشق بخاطر آن دخترها به راه سرزمین آمد - نیامد روانه می‌شوند. این راهی را که در پیش گرفته‌اند، پر از سختی، مشکلات، رنج و عذاب است و بازگشت‌شان آنقدر آسان نیست، به همین خاطر نام آن را «سرزمین آمد - نیامد» نهاده‌اند؛ بیش‌تر وقت‌ها از این راه به عنوان راه مرگ نیز یاد می‌شود. ولی در پایان داستان، هر چقدر هم آن‌ها سختی‌های زیادی ببینند، به عنوان عروس و داماد خوشبخت همراه با هم به سوی خانه برمی‌گردند و با آروزی خود شاد می‌شوند.

گیسوها، یکی از موضوعات عاطفی در ترانه‌های کردی وقتی به محتوای ترانه‌های کردی می‌نگریم، می‌بینیم که موضوع عشق همیشه در ترانه‌های کردی پرکاربردترین موضوع است. در این موضوع عشق، زیبایی زنان و گیسوهایشان جایگاه ویژه‌ای دارند. هیچ‌کدام از اندام زنان مانند زیبایی و گیسوها در داستان‌ها کاربرد رنگارنگی ندارند. کم‌وبیش در هر ترانه کردی که درباره عشق سروده شده است، از گیسوها سخن به میان می‌آید. این ترانه‌ها، در لابه‌لای ادبیات شفاهی کردی، پایه‌های ادبیات عاطفی را تشکیل می‌دهند. بی‌شک نشانه‌های یک جریان عاطفی به بهترین شیوه در ادبیات شفاهی کردی خودش را نمایان می‌کند. در این ترانه، موضوع و نگاره‌هایی درباره گیسوها با یک زبان ادبی و گران‌بها به ما ارائه می‌شود؛ برای نمونه دختر همیشه می‌خواهد که معشوقش را مانند «دوست» ببیند، دختر او را مانند «مهمان» می‌خواند و عشق را والاتر از هر چیزی می‌داند و از اموال دنیوی چشم‌پوشی می‌کند.

۳-۲ مادر الگوی دختر

مادر، به‌عنوان الگوی اخلاقی دختر، نقش بسیار زیادی در شکل‌گیری رفتار اجتماعی او دارد؛ پس دختر، همانند مادرش است. بنابراین، در ضرب‌المثل‌های کردی، در امر ازدواج سفارش می‌شود که برای انتخاب همسر آینده، باید به رفتار مادر دختر توجه کرد:

«دایکان ببینو و کچان بخوازه.» (رش احمدی و شاهرودی، ۱۳۸۶: ۲۱۸)

ترجمه: مادرها را ببین و دخترها را خواستگاری کن.

۳-۳ نقش مهم زن در ساختن جامعه

پدر، وظیفه تأمین معاش را در خارج از خانه بر عهده می‌گیرد و زن است که به امور خانه رسیدگی می‌کند.

«پیاو فه‌لایه و ژن به‌نایه» (محمدپور و همکاران، ۱۳۹۱: ۷۶)؛ مرد کار می‌کند و زن سازنده و بناست.

زن، نظم خانه و بهداشت آنرا به خوبی اعمال می‌کند و آسایش اعضای خانواده را فراهم می‌سازد:

«مال بئی کینو، زر و زیولش مای تا ژیر زینو.» (رحیمی عثمانوندی، ۱۳۷۹: ۲۴۱)

ترجمه: خانه‌ی بدون زن (کدبانو)، زباله‌هایش تا زیر زانو بالا می‌آید. (مال: خانه) در ضرب‌المثل‌های عربی، به

نقش بی‌بدیل زن در نظم و آرامش خانواده اشاره شده‌است: الرَّجُلُ جَنِّيٌّ وَالْمَرْأَةُ بَنِيٌّ (محمد نجم و همکاران، ۱۴۲۷: ۱۵) مرد می‌چیند و زن می‌سازد.

۴-۳ دل بستن مردان کرد به زنان

در ادبیات کردی وقتی یک دختر یا زن گُرد به پسر یا مردی دل می‌بندد، بخاطر او خوش‌آواز می‌شود و بار اول در لابه‌لای ترانه‌هایش، گیسوهایش را برای آن مرد یا پسر می‌بافد، ترس را کنار می‌گذارد و گیسوهایش را برای «حلالی جان خود» یا «مرد محبوب دلش» کوتاه می‌کند و می‌فرستد. زنان این دل‌داده‌ها (معشوقین مرد) را در جایگاه ویژه‌ای قرار می‌دهند و آنان را والاتر از هر کسی می‌بینند. وقتی شخصی برای دختر مژدگانی می‌آورد که معشوقش دارد از راه می‌رسد، دختر می‌تواند یکی از گیسوهایش را ببرد و به آن شخص خبردهنده هدیه کند. بی‌شک این بیان‌گر قوی بودن عشق و دوست‌داشتن معشوقین است؛ همان‌طور که می‌بینیم، آن شخصی که برای دختر مژدگانی می‌آورد، با اینکه معشوق او نیست، ولی می‌تواند یکی از گیسوهای دختر را به عنوان مژدگانی بگیرد (البته در ادبیات شفاهی). این عمل در دنیای واقعی بیانگر عشق دختر به معشوقش است.

۵-۳-۳ زن و مرد مکمل هم

در ادبیات کردی، تأکید زیادی بر احترام متقابل زن و مرد شده است و زن و مرد، مکمل هم معرفی شده‌اند:

«خان له خانمه و خانم له خانه.» (جمالی ۱۳۸۹: ۵۳)

ترجمه: اعتبار و احترام خان (مرد)، به واسطه زن اوست و اعتبار زن نیز به واسطه مرد است؛ یعنی، زن نمونه و با اخلاق، باعث اعتبار یافتن مرد در جامعه می‌شود. در ضرب‌المثل‌های عربی نیز به مکمل بودن زن و مرد اشاره شده است: **وَرَاءَ كُلِّ رَجُلٍ عَظِيمَةٌ** (محمد نجم و همکاران ۱۴۲۷: ۱۲)؛ در قرآن کریم آمده که زن و مرد مایه آرامش و پوششی برای هم هستند: **هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ** (بقره/۱۸۷) آنان برای شما لباسی هستند و شما (مردان) برای آنان لباسی هستید.

۶-۳ تمایل دختر به ازدواج و برگزیدن

با توجه به شرایط فرهنگی جامعه و متغیر بودن سن بلوغ جنسی و عقلی در دختران، یکی از مهم‌ترین مسائل برای آن‌ها ازدواج است که به نوعی، خواستنی و هدف مطلوب آن‌هاست. در ضرب‌المثل‌های کردی به این مسئله اشاره شده است: «ئاگر خاسه و ته‌پ و دویکه لی، برا خاسه نه وه ک شوی.» (سهراب‌نژاد، ۱۳۹۲: ۵۱)

ترجمه: آتش با دود و دمش، با ارزش است و برادر نیز خوب و عزیز است ولی مثل شوهر نیست. (ئاگر: آتش، خاس: خوب)

به همین خاطر، خانواده دختر، به هنگام خواستگاری بسیار آشفته و به نوعی، برای خوشبختی دختر و فراهم شدن شرایط ازدواج او شاد هستند:

«له مأل زاوا خه وه رنیه له مأل وه یی زه ماوه نه.» (همان: ۱۰۷)

ترجمه: در خانه پسر (داماد)، همه چیز آرام است ولی در خانه عروس، همه در تلاش و تکاپو هستند و خانه پر از سر و صداست.

۷-۳ جنگ بر سر عشق زنان

در ادبیات فولکلور کردی، زن کرد زیاد بودن شمار خواستگارها را برای خود همچون خطری می‌بیند. در مقابل این جملات حفاظت از قلب او در صدر ترانه‌ها قرار می‌گیرد و دعوای مردان را بر روی قلبش به یک جنگ سیاسی تشبیه کرده است. بیشتر وقت‌ها وضعیت سرزمینی را که دچار جنگ شده است، با این وضعیت قلب زنان مقایسه کرده‌اند و حملات علیه این سرزمین را مانند حملات علیه قلب زنان می‌بینند. موضوعات سیاسی و عاطفی در این ترانه‌ها با هم ادغام شده‌اند. در ترانه دیگری هم وقتی که بر روی قلب زنان تأکید می‌شود، با چنین اصطلاحی مواجه می‌شویم: «نه بخدا، ... مانند سلطان رشید، چشم هفت دولت بیگانه به آن است.» در این ترانه‌ها، وجود چنین اصطلاحات سیاسی و تاریخی، چهره هنری خاصی به آن‌ها بخشیده است. از طرف دیگر، زن خواسته که حملات علیه خود و سرزمینش را بر زبان بیاورد.

۸-۳ جایگاه و نقش زن به‌عنوان همسر

در ادبیات کردی، آمده که مرد ناگزیر از ازدواج با زن است. به ظاهر، این امر سلبی و منفی است ولی در باطن، ازدواج و ناگزیر بودن از دختر، موجب سر و سامان گرفتن مرد و جهت‌دار شدن زندگی او می‌شود و برای مردان بسیار مثبت است. در واقع، مردان با گفتن این ضرب‌المثل، به‌صورت ضمنی و تلویحی، به نقش مؤثر و مثبت زن در تکمیل خانواده و پویایی زندگی اعتراف می‌کنند، هرچند که در ظاهر، خود را ناگزیر از ازدواج با زن میدانند، با دقت در کاربرد این مثل در میان مردم و بویژه در زمان خواستگاری و ازدواج، متوجه می‌شویم که بار معنایی مثبت این مثل، از بار معنایی منفی آن بیشتر است:

«ژن به‌ل‌اس خوا بکات هیچ مالئک ب‌ئ به ل‌ا نه وئت.» (جمالپور، ۱۳۸۹: ۳۷)

ترجمه: زن بلاست، خدا کند هیچ خانه‌ای بی‌بلا نباشد.

امام علی (ع) نیز با تیزهوشی و به نوعی، با شیرین‌زبانی بلاغی، مرد را ناگزیر از ازدواج با زن می‌داند. در ظاهر، این جمله در مورد زنان، منفی است ولی در واقع، بر ضرورت ازدواج تأکید کرده است. ایشان می‌فرمایند: **اَلْمَرْءُ شَرٌّ كُلُّهَا، وَ شَرُّ مَا فِيهَا اَنَّهُ لَا بَدَّ مِنْهَا!** (نهج‌البلاغه ۱۳۸۸: ۴۸۴)؛ زن، همه اش دردسر است و زحمت، بدتر اینکه چاره‌ای جز بودن با او نیست.

در برخی از ضرب‌المثل‌های کردی، به ازدواج بسیار سفارش شده و زن را تکمیل‌کننده زندگی دانسته و به‌سرعت در اقدام به این کار، حتی در صورت قرض کردن تشویق شده است:

«قهرز بکه ژن بخوازه قهرزته‌واو ئه وئت، ژن وه جیه س.» (سهراب‌نژاد، ۱۳۹۲: ۱۳۶ و رضایی و کریمی، ۱۳۸۵: ۶۱).

ترجمه: قرض بکن و زن بگیر، قرضت را برمی‌گردانی ولی زن باقی است.

۹-۳ مادر در ادبیات کردی

مادر در ادبیات کردی محبوبیت بزرگی دارد. در زمینه‌ی تربیت فرزندان مادر زحمات زیادی می‌کشد که از چشمان جامعه پنهان نشده است. به‌خاطر همین، در بین تمام زنان جامعه محبوبیت و ارزش بزرگ‌تری برای مادران قائل شده است. سخن‌پیشینان می‌گویند: وقتی مادر گرفتار دردها شد، خداوند او را نجات داد. وقتی جامعه پدر و مادر را در مقابل همدیگر قرار داده و آن‌ها را با هم مقایسه کرده است، جامعه از مادران طرفداری کرده است: «مادر از پدر شیرین تر است». در زمینه‌ی تربیت فرزندان، زحمات مادر فراوان است و این سخنان زیبا برای مادران گفته شده‌اند. از طرف دیگر، هرچند تمام زنان مادر نباشند، ولی این سخنان برای همهی زنان گفته شده است. جامعه بر اساس زحمات افراد عدالت را بین آنان اجرا کرده است: «پدر که فوت می‌کند، فرزندان نمی‌دانند که پدرشان مرده است، ولی وقتی که مادر می‌میرد غم بر زندگی آن‌ها سایه می‌افکند». به همین دلیل است که در ادبیات کردی می‌گویند: «منال وه ب‌ئ باوک هه تیم ناکه ف‌ئت و ه ل‌ئ ب‌ئ دایک هه تیم ئه که ف‌ئت». یعنی: بچه بی‌پدر یتیم نمی‌شود اما بی‌مادر یتیم می‌شود. یک سخن کردی می‌گوید: «فلانی به شکم مادرش افتاد». منظور این است که جای گرم‌تری مانند شکم مادر را برای خود پیدا می‌کند. از طرف دیگر، افراد زیادی بنا به اعتقادات، عرف و عادات نمی‌خواهند که نفرین مادرانشان به دنبال آن‌ها باشد. وقتی مادری شیر خودش را بر بچه‌اش حرام کند، آن شخص دچار یک شکست روحی شدید می‌شود، در زندگی روزانه کارهایش به نتیجه‌ی مطلوب نمی‌رسد و موفق نمی‌شود و همواره نفرین‌های مادرش را به یاد می‌آورد. جامعه هم این نفرین‌های مادران را به گوش خود آویزان می‌کند و در آینده از آن جلوگیری می‌کند و بی‌عدالتی در حق مادران را قبول نمی‌کند. بطور خلاصه بر اساس محتوای ادبیات جای مادر به آسانی پر نمی‌شود.

۱۰-۳ اشتراکات زن و مرد

در ضرب‌المثل و ادبیات کردی کم‌تر دیده می‌شود که بین مرد و زن تفاوتی قائل شده باشد. هر دو جنس را یک انسان دانسته‌اند. زن کمتر در ادبیات کردی تحقیر شده و از محبوبیت او کاسته شده است. هر چند که در همین مقاله مواردی

از تحقیر زنان را درج کرده ایم و به آن بخش هم پرداخته می شود. اما هر چند زن در زندگی روزانه از یک طرف با حقارت، اذیت و له شدن روبرو می شود و از طرف دیگر هم از مردان ظلم بزرگی می بیند، ولی در زندگی ادبی، هیچ وقت با دنیایی این چنین پر از ظلم و حقارت علیه خود مواجه نمی شود. این اشتباه، اشتباه ادبی نیست، بلکه این وضعیت به فاکتورهای دیگری وابسته است. ستمی که در حق زنان می شود، با یک سخن پیشینیان بیش تر آشکار می شود: «زن درختی شکسته است». این سخن پیشینیان بر اساس فاکتورهای پاکی-ناپاکی، زیبایی و زشتی گفته شده است و ناپاکی و زشتی را مورد اعتراض قرار می دهد. در داخل خانه فردی که بیش تر کار می کند، بی شک بانوی خانواده است. جامعه دیده است که باز هم او از خیلی چیزها محروم مانده است و آن را بی عدالتی بزرگی می داند و مورد انتقاد قرار می دهد. این ضرب المثل های کردی به ما نشان می دهند که در جامعه در حق زنان ستم و بی عدالتی زیادی شده و همیشه آن را بازگو کرده است و این اختلافات را از چشمان جامعه پنهان نکرده، بلکه این وضعیت بد را بررسی کرده است. وقتی ما چند ضرب المثل کردی را بررسی می کنیم، می بینیم که جامعه همیشه اشتراکات مردان و زنان را مهم تر از همه چیز دانسته و همیشه در آرزوی آن بوده است. ضرب المثل «شیر شیر است، چه زن باشد چه مرد»، همان طور که ما در منابع زیادی با آن روبرو می شویم، نشانهی برابری زن و مرد است. این سخنان اعتقاد و نظر جامعه را درباره وضعیت زنان به خوبی آشکار می کند. تمام این ضرب المثل ها به این معنا نیستند که با چهره و شخصیت خود زن و مرد یکی هستند. جامعه این تفاوت های زن و مرد را مشخص و برای آن مرزی تعیین کرده است: «زن زن است و مرد هم مرد».

۱۱-۳ دیدگاه منفی نسبت به زن

در ضرب المثل های کردی، به مشورت نکردن و ندادن صلاحیت امور به زن، سفارش شده است؛ البته در اینجا، به معنای این نیست که نباید در هیچ امری با او مشورت کرد بلکه در اموری که فراخور او و مرتبط با او نیست، نباید مشورت کرد:

سه‌ل‌ا به به دهس ژن، ده سیه چله‌ی زمسان چیه‌رگ کی‌ی. (سهراب‌نژاد، ۱۳۹۲: ۱۲۶)

ترجمه: اگر زمام امور را به دست زن بسپاری و با او مشورت کنی، پشم گوسفندان را در اوج سرمای زمستان می‌چیند (چیدن پشم گوسفندان در بهار انجام می‌گیرد) (سیه چله‌ی زمسان: به برهه‌ی زمانی در فصل زمستان گفته می‌شود که سرما به اوج خود می‌رسد، چیه‌رگ: ابزار پشم‌چینی که شبیه قیچی است). (دی ۱۳۹۹)

در ایران باستان، به مشورت نکردن با زن سفارش شده است: یک بار موبدان بر کسری وارد شد و گفت: تو با نیکبختی زیستی و با دشمنان پیروز شدی و به خیر و برکت، دست یافتی و از اطاعت زنان دوری گزیدی. این سخن، شیرین (ملکه) را خشمگین کرد (جاحظ ۱۴۲۳: ۲۳۴)

۱۲-۳ در حجاب ماندن زن

در فرهنگ کردی، بیرون ماندن بیش از حد زن در خارج از خانه، وجهه‌چندان خوبی ندارد. علت آن، این است که زن در جامعه، نماد حیا و عفت است. البته در فرهنگ کردی، در مورد بیرون رفتن زن و حجاب، زیاد سختگیری نمی‌شود و به اعتدال در آن سفارش می‌شود ولی در برخی ضرب المثل‌ها، به زشتی بیرون بودن بیش از حد زن اشاره شده است:

«وه بیکم هه س وه شهرت وه‌حه یا، شه‌وه‌کی ئه چ‌ئات، ئی ئواره ت ئاته و.» (سهراب‌نژاد، ۱۳۹۲: ۱۷۲)

ترجمه: عروسی بسیار با شرم و حیا دارم، صبح زود بیرون می‌رود و عصر برمی‌گردد. (وه‌ویله یا وه‌وی: عروس، شه‌وه‌کی: صبح، ئواره: عصر) این مثل را بیشتر در تعریض به عروسان و افراد نافرمان و نامنظم می‌گویند و یادآور سخنان پرنایه و روابط پرتنش میان مادر شوهر و عروس است. در برخی ضرب المثل‌ها آمده که بیرون ماندن زن در بیرون از خانه، باعث می‌شود که دیدگاه مثبتی در مورد زن شکل نگیرد، چرا که زن، مهمترین الگو در تربیت فرزندان و رعایت اصول اخلاقی در خانواده به حساب می‌آید:

«دایکم، دایکتی له سه‌ر بازار دیه.» (سهراب‌نژاد ۱۳۹۲: ۱۰۰)

ترجمه: مادرم، مادرت را در بازار دیده است. (دالگ: مادر)

در ضرب‌المثل‌های عربی نیز بیرون ماندن زن در خارج از خانه، نکوهش شده است:

بَابُوجِهَهَا عَالَعْتَبَهُ وَايزَارَهَا عَالْكَصْبَهُ (الحنفی البغدادی، ۱۴۲۳: ۸۲)؛ زنی که کف هایش در ورودی خانه است و عبایش بر چوب رختی آویزان است. (یعنی، همیشه برای بیرون رفتن آماده است.) این ضرب‌المثل در مناطق جنوبی عراق بیشتر کاربرد دارد. در ضرب‌المثل‌های کردی، برادر نماد غیرت و تعصب است و یکی از نشانه‌های سالم بودن دختر از لحاظ عُرف اجتماعی، تعصبی بودن برادر او و کمتر ظاهر شدن دختر در بیرون از خانه است:

در حجاب ماندن و بیرون رفتن زنان، امری تازه نیست و در دوره‌های مختلف با شدت و ضعف وجود داشته است. در زمان ساسانیان، زنان شوهردار حق نداشتند هیچ مردی را ولو پدر یا برادرشان باشد، ببینند. (راوندی، ۱۳۸۴، ۱: ۵۱۶) در ایران بعد از اسلام (طاهریان تا مغول)، خروج زنان از خانه بدون اذن شوهر ممکن نبود و در صورت خروج از خانه، باید با نقاب ظاهر می‌شدند. (مندور، ۱۳۶۰: ۸۹) البته در فرهنگ کردی، بیشتر بر حجاب معتدل زن تأکید و از افراط در آن بر حذر شده‌اند و به حجابی که اصول دین بدان اشاره کرده، توصیه شده است. در عصر صفوی و قاجار، براساس آنچه در سفرنامه‌ها آمده است، استفاده از روپنده در میان زنان گُرد معمول نبوده است و آنها، صورت خود را نمی‌پوشاندند. (مینورسکی، ۱۳۷۸: ۱۲۴-۱۲۳) در بیشتر کشورهای عربی نیز در عصر حاضر، زن کمتر در جامعه حضور می‌یابد و بیشتر در خانه می‌ماند و به امور خانگی رسیدگی می‌کند.

۱۳-۳ برتری وجودی مرد بر زن

در فرهنگ کردی، فرزند پسر از محبوبیت بیشتری برخوردار است و مردان و حتی زنان، بیشتر علاقه دارند که صاحب فرزند پسر شوند؛ محبوبیت پسر، اشاره به همان دیدگاه مردسالاری دارد که اگر کسی تعداد فرزندان پسرش بیشتر باشد، از ابهت بیشتری برخوردار است و اعتماد به نفس بیشتری دارد. فرزند پسر، نماد اقتدار و ابهت خانواده به‌شمار می‌آید و آن را به طبل تشبیه می‌کنند:

«کور ده‌فوله.» (سهراب‌نژاد ۱۳۹۲: ۱۴۴)

ترجمه: پسر، همچون طبل پر سرو صداست.

این مسئله حتی در میان زنان نیز رایج است و برخی از آنها بر این باورند که حسادت دیگران است که باعث می‌شود تا صاحب پسر نشوند. در برخی از بخش‌های ادبیات کردی، با به‌کارگیری تمثیل، حس مذکرگرایی برجسته‌تر می‌شود و مرد بودن بر زن بودن ترجیح داده می‌شود:

«یهی پوژ که له ش کور بوین، هه‌زار روژ مامری تیه‌رزئی.» (رضایی و کریمی ۱۳۸۵: ۱۲۰)

ترجمه: یک روز خروس بودن (مردبودن)، از هزار روز مرغ بودن (زن بودن) ارزشمندتر است.

این دیدگاه نسبت به دختر، تا جایی پیش می‌رود که به شخصی که تنها صاحب دختر می‌شود، مقطوع‌النسل و اجاق‌کور گفته می‌شود:

«وجاخ کور و ته‌ژگای سییه.» (سهراب‌نژاد، ۱۳۹۲: ۱۷۴)

ترجمه: اجاق خاموش و آتش‌دان تاریک. اجاق‌کور، به کسی گفته می‌شود که پسر ندارد. در ضرب‌المثل‌های کردی، مرد سالاری بازتاب زیادی دارد و ریاست خانواده، پس از پدر، به مادر واگذار نمی‌شود بلکه آن را به پسر می‌سپارند:

که‌س کلاو باوگ، ئه‌و سه‌ر دالگ نیه‌نه‌ئی. (همان ۱۴۰)

ترجمه: کسی کلاه پدر را بر روی سر مادر نمی‌گذارد.

این مسئله در همه‌ی ادیان و تمدن‌ها و فرهنگ‌ها وجود داشته و از شدت و ضعف برخوردار بوده است؛ مثلاً افلاطون، با وجود آنکه از برابری زن و مرد در همه‌ی موقعیت‌ها پشتیبانی می‌کرد، خدا را شکر می‌کرد که مرد آفریده شده است. (گری، بی‌تا: ۴۷) در فرهنگ ایران باستان نیز عقاید مشابه وجود دارد. در پندهای انوشروان آمده است: بر مرگ دختران، غم مخور (نفیسی، ۱۳۱۰: ۶۲۴ و مستوفی ۱۳۸۷: ۱۱۸).

۱۴-۳ دختر و زن عامل انحراف مرد

هر چند در ابتدای مقاله عنوان کردیم که در ادبیات کردی بیشتر موارد مثبت زن دیده شده است اما گاه می بینیم که در میان عامه، خلاف این مصداق دارد، که به مواردی از این عوامل اشاره می کنیم. مثلاً این اعتقاد وجود دارد که جنس مؤنث، باعث تحریک جنس مذکر می شود و او را به سوی گناه و ناهنجاری سوق می دهد. این دیدگاه، در برخی از ضرب‌المثل‌های کردی نمود می یابد:

«تا دئی دئی نه‌واچئی ب‌وژی کاکه لئ مه‌که‌روو زوژی.»

تا داده نه کا گولی گولی کاکه ناکات کاری زوری. (سهراب‌نژاد، ۱۳۹۲: ۷۷)

ترجمه: تا دختر با صدای بلند نخندد (و پسر را تحریک نکند)، پسر جواب خنده او را نمی دهد (تحریک نمی شود). و او را وادار به هیچ کاری نمی کند.

حضرت علی (ع) عشق زن را فتنه آمیز و وسوسه گر می داند: **الْفِتْنُ ثَلَاثٌ... وَ حُبُّ النِّسَاءِ؛ وَ هُوَ سَيْفُ الشَّيْطَانِ** (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ۱۷/۴۹)؛ فتنه‌ها سه تا هستند: ... و عشق زنان که شمشیر شیطان است. در فرهنگ ایران باستان نیز پندها و حکمت‌هایی نقل شده که زن را مکار و منحرف کننده می داند؛ البته، منظورشان فقط زنان مکار و مداخله گر بوده است. در پندهای انوشروان آمده است: از مکر و حیلت زنان ایمن مباشید. (نفیسی، ۱۳۱۰: ۶۲۴ و مستوفی ۱۳۸۷: ۱۱۸) در قرآن کریم نیز آمده: **إِنَّ كَيْدَ كُنَّ عَظِيمٌ** (یوسف/۲۸)؛ مکر شما (زنان) بسیار خطرناک است.

۱۵-۳ دید منفی نسبت به مادر شوهر

در ضرب‌المثل‌های عامیانه، تصویر زن، به عنوان مادر، بهترین حالت برای اوست ولی فرهنگ جامعه، ارزش و احترام را از مادر نفی می کند، وقتی که او مادر شوهر می شود. مادر شوهر، صفتی منفی و تحکم آمیز برای زن در محیط خانه است. (شریم، ۲۰۰۷: ۶۱) در برخی ضرب‌المثل‌های کردی، مادر شوهر، شخصیتی سلطه گر و بداخلاق معرفی شده است. که همیشه تلاش می کند به عروس کنایه بزند.

«خه سو ئاگره سویره.» (جمالپور، ۱۳۸۹: ۲۵)

ترجمه: مادر شوهر، همچون آتش برافروخته است؛ یعنی همیشه در انتظار کشمکش با عروس است. عروس، از بدرفتاری مادر شوهر شکایت می کند و می گوید که تو هم روزی عروس بوده ای:

«ئهی هه سویره مهر وهیژت رُوژی وهوی نه‌وینه.» (رحیمی عثمانوندی، ۱۳۷۹: ۲۱۷)

ترجمه: ای مادر شوهر، مگر خودت هم روزی عروس نبوده ای؟ در برخی ضرب‌المثل‌های کردی، بر خلاف تصورات عامه، مادر شوهر وجهی مثبتی دارد و ویژگی مثبت امانت داری و مراقبت را مختص او می دانند:

«خه سویره، کلیل ده‌رانه.» (رضایی و کریمی ۱۳۸۵: ۳۸)

ترجمه: مادر شوهر، کلید در خانه است.

۱۶-۳ مه م و زین الگویی برای نگرش به زن در ادبیات کردی

مه م و زین، رمان عاشقانه احمد خانی، داستانی همچون «شیرین و فرهاد» و «یا لیلی و مجنون» است که در قرن هفدهم نوشته شده است. مه م و زین بر اساس داستانی واقعی که حدود دو سده قبل از احمد خانی در کردستان ترکیه اتفاق افتاده، خلق شده است. دنگ بیژان (آهنگ خوانان) آن داستان را در قالب ابیات آهنگین خواندند و سینه به سینه به دوران خانی رساندند. اما احمدخانی با چیرگی تمام سرنوشت آن دو دل‌داده را در زمانی ارزشمند ماندگار کرد. مه م و زین خانی شاهکاری در ادبیات کردی است و بسیاری آن را شاهنامه کردی می دانند.

منظومه مه م و زین به بسیاری از زبانهای زنده دنیا ترجمه شده است و ملت های بسیاری این اثر ارزشمند را ستوده اند. شرق شنا سان و ادیبان نامداری آن را به آلمانی و روسی و فزانسوی ترجمه کرده اند و بر آن نقدهای فراوانی نوشته اند. مارگارت رودینکو که آنرا در سال ۱۹۶۲ به روسی ترجمه کرده است، معتقد است مه م و زین

بزرگترین شاهکار ادبی دنیا است. او "مه م و زین احمد خانی" را هم "سنگ" شاهنامه فردوسی و "ایلیاد و اودیسه هومر" می‌داند. مه م و زین به کردی کرمانجی است اما استاد هه ژار آنرا به کردی سورانی ترجمه کرده است.

۳-۱۷ - خلاصه داستان

امیر خوشنام و قدرتمند جزایر بوتان دو خواهر بسیار زیبا دارد که افراد بسیاری در آرزوی وصال آن دو هستند. در یکی از جشن‌های نوروز دو پسر کرد با لباس مبدل دخترانه در پی یافتن پاسخی برای مشاهدات خود بر می‌آیند و پرده از راز دو خواهر پسرنا بر می‌دارند. تاج‌دین و مه م بدون آنکه بدانند آن دو دختر کیستند دل‌باخته‌شان می‌شوند. از دیگر سو آن دو خواهر مات و مبهوت اند که چرا شیفته دو دختر شده‌اند. پس از آن دیدار ناگهانی، دو خواهر و آن دو پسر که از قضا سرداران سپاه امیر اند، به بستر بیماری می‌افتند و در عشقی رازآلود می‌سوزند.

رمالان و بزرگان کرد دست به کار می‌شوند و در نهایت مالکان انگشتی‌های رد و بدل شده را می‌یابند. سستی، تاج‌دین را می‌خواهد و زین، مه م را. روزگار به تاج‌دین و سستی روی خوش نشان می‌دهد. آن دو با ارج و قرب بسیار و در مراسمی باشکوه، کام عاشقی را شیرین می‌کنند.

و این چنین زین، عزیزدردانه امیر تنها می‌ماند و در انتظار وصال مه م. داستان عشق آن دو در پی رشک و حسادت غلام امیر و حيله گری‌های مدام او به گونه‌ای دیگر رقم می‌خورد. کسی را یارای فاش ساختن عشق مه م و زین برای امیر نیست و این بازی شطرنج است که باید حکم براند. مه م بازی را عاشقانه، می‌بازد و رازش را فاش می‌سازد. امیر آشفته فرمان بر مرگش می‌دهد اما تاج‌دین و سرداران دیگر، نظر امیر را بر می‌گردانند. مه م به شکنجه گاه امیر برده می‌شود.

زین و مه م را وصال که نه، دو دیدار حاصل می‌شود. دیدار اول در باغ زیبای امیر است و دیدار دوم اما در پس راهروهای تو در توی سپاه چال امیر. پایان داستان رقم می‌خورد و چون تمام عاشقانه‌ها... هر چه هست وصالی در کار نیست. این گونه است در قالب داستانی این چنینی آن مهر و عشقی که در داستان‌های رودابه و زال فردوسی یا لیلی و مجنون نظامی دیده می‌شود در ادبیات کردی نیز برای زنان خود را می‌نمایاند. و آن کل که عاشق را همه نیاز می‌بیند و معشوق را همه ناز در رابطه با زنان در ادبیات کردی نیز به صورت مضاعف مصداق می‌یابد.

دهمین همایش ملی پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی - دی ۱۳۹۹

نتیجه‌گیری

زن در ادبیات کردی و مخصوصاً فولکلور این زبان، بازتاب گسترده‌ای داشته است. در برخی از موارد در آثار ادبی و ضرب‌المثل‌ها به ستایش زن و نقش او در نظم و آسایش خانواده و جامعه پرداخته‌اند و تصویری زیبا و شایسته‌ای از او ارائه داده‌اند اما در برخی از این ضرب‌المثل‌ها، جایگاه واقعی او نادیده گرفته شده و صفات نه چندان مناسبی به او داده‌اند و در برخی از آنها، در منفی نشان دادن تصویر زن، زیاده‌روی و بزرگنمایی کرده‌اند. اما آن چه مسلم است بسته به نوع شرایط خاص زمانی، در فرهنگ و زبان کردی در مورد خوب بودن یا نبودن زن افراط و تفریط شده است و گاهی نیز راه اعتدال در پیش گرفته شده است ولی تحت هر شرایطی، نقش سازنده‌ی زن در جامعه، چه زیاد و چه کم، در ادب فولکلور کردی انعکاس یافته است. و آن چه در این مقاله مشاهده کردیم آن بود که به جنبه‌ی مثبت و خصلت‌های مثبت زن همواره در ادبیات و فولکلور کردی بیشتر توجه شده است. و اگر در مواردی هم به صورت منفی به جایگاه زن در جامعه نگریسته‌اند ریشه‌ی بسیاری از این دیدگاه‌های منفی، در تاریخ بشر است و عوامل مهمی، از جمله نوع حکومت و میزان استبداد و خودکامگی رؤسا، شرایط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و عقاید دینی و مذهبی، در شدت و ضعف چنین دیدگاه‌هایی مؤثر هستند. با وجود این، زن نقش سازنده‌ای در جامعه دارد و یکی از دو رکن اصلی زندگی به حساب آمده است و این مسأله، به زیبایی در ادبیات و فرهنگ کردی به تصویر کشیده شده است.

منابع کتاب‌ها

- بهروزی، محمدجواد، (۱۳۸۵)، سرگذشت دوازده تن از زنان مؤثر در تاریخ ایران، چاپ دوم تهران: واژه آرا بیانی، شیرین. (۱۳۸۰)، زن در ایران عصر مغول، تهران: دانشگاه تهران
- بیهقی، ابوالحسن. (۱۳۱۷)، تاریخ بیهق، تصحیح: احمد بهمنیار، چاپ سوم، تهران: بنیاد دانش جمالپور، کامبیز. (۱۳۸۹)، پیامی پیشینیان، ضرب‌المثل‌های کردی کرمانشاهی، چاپ دوم تهران: کوثر: تهران ذوالفقاری، حسن. (۱۳۸۸). فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی، ج ۲. چاپ دوم، تهران: معین
- راوندی، مرتضی. (۱۳۸۴). تاریخ اجتماعی ایران، تاریخ کهن‌ترین ملل باستانی از آغاز تا اسلام، ج ۲. چاپ دوم، تهران: نگاه رضایی کلهر، اکبر و کریمی، نورالله. (۱۳۸۵). یک هزار ضرب‌المثل کردی، کرمانشاه: نشر روحانی، بابامردوخ. (۱۳۶۴). تاریخ مشاهیر کرد، ج ۲، چاپ دوم، تهران: سروش
- ژان کالوه، لویی (۱۳۷۹). در آمدی بر زبان‌شناسی اجتماعی، ترجمه ی محمد جعفر پوینده، چاپ دوم، تهران: نقش جهان ستاری، جلال. (۱۳۷۳). سیمای زن در فرهنگ ایران، چاپ سوم، تهران: مرکز قلی‌زاده، خسرو. (۱۳۸۸). فرهنگ اساطیر ایرانی، بر پایه متون پهلوی، چاپ دوم، تهران: پارسه:
- گری، بنوات. (۱۳۷۹). زنان از دید مردان. ترجمه محمدجعفر پوینده. انتشارات جامی: تهران، چاپ هفتم.
- مستوفی، حمدالله. (۱۳۷۸). تاریخ گزیده. به اهتمام عبدالحسین نوایی، چاپ پنجم، تهران: امیرکبیر: تهران
- مینورسکی، ولادیمیر فئودورویچ. (۱۳۷۸). کرد: تاریخ، زبان و فرهنگ. ترجمه محمدرفیوف یوسفی‌نژاد، چاپ دوم، تهران: سهیل پایان‌نامه‌ها
- حیدری، سعیدیه (۱۳۹۲). بررسی جایگاه زن در فرهنگ عامیانه کردی، پایان‌نامه ی کارشناسی ارشد. دانشگاه پیام نور، مرکز تهران غرب.

مقالات

- رش احمدی، رسول، المیرا شاهرودی. (۱۳۸۶). «ضرب‌المثل‌های تعلیمی و تربیتی کردی» مجله فرهنگ مردم ایران. شماره ۱۰، صص ۲۲۸-۲۱۵.
- محمدپور، احمد و کریمی، جلیل و معروفپور، نشمیل. (۱۳۹۱). «مطالعه تفسیری بازنمایی زن در ضرب‌المثل‌های کردی (مورد مطالعه: گویش سورانی-مکریانی)» زن در فرهنگ و هنر. دوره ۴، شماره ۳، صص ۶۵-۸۳.
- محمودی بختیاری، بهروز و دیگران (۱۳۹۰). بازتاب اندیشه ی مردسالارانه در زبان فارسی، نشریه زن در فرهنگ و هنر، دوره ی ۲، ش ۴، صص ۹۱-۱۰۷.
- محمودی بختیاری، بهروز و دیگران، (۱۳۹۰)، بازتاب اندیشه‌ی مردسالارانه در زبان فارسی در پژوهشی جامعه‌شناسی «زن در فرهنگ و هنر» دوره ی ۲، شماره ۴، صص ۱۰۷-۹۱